

# قیام ایران

زبان مرکزی: فقط فارسی

پنجم خجسته

## راه شیطان!

خورتوجه بسیار است که آن مسافرت‌ها و دیدارها مانند گویه‌ای در میان حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته با ردیگر اختلاف‌های عمیقی را که در این دستگاه وجود دارد نشان می‌دهد و آن را عمیق‌تر می‌سازد.

بقیه در صفحه ۲

زمنه‌ها برخاسته که مک‌فارلین، فرستاده رئیس جمهوری آمریکا، نه یک بار که چندین بار به تهران سفر کرده است، به هر حال چنان که اکنون مقام‌های ایالات متحده آشکارا گفته‌اند، نخستین سفری در اوائل سال جاری میلادی یعنی حدود ۹ ماه پیش صورت گرفته است.

## انگار که ورنجستم!

مملکت و مردم را درگیر انواع بلیات کرده است حالا از اینطرف چرخیده و می‌گوید انگار که ورنجستم. را زکوش‌های پنهانی که برای کنار آمدن جمهوری اسلامی با آمریکا و فرانسه و در برابر ای کشورهای معتدل عرب جریان دارد بقدر کافی آشکار شده است. بعد از آنکه مطبوعات آمریکا به پروپاغندا دولت فرانسه بی‌جیدند و فرانسوی‌ها را متهم کردند که در مسیری سیاست‌کارانه، هم‌سوره و هم‌جمهوری اسلامی مشغول دادوستد شده‌اند، عوامل اطلاعاتی این طرف هم جریان سفر مخفیانه را برت مک‌فارلین یکی از مشاوران ویژه کاخ سفید را به تهران بر ملا ختنه تا آمریکا بی‌بفهمند اگر قرار بر افشای زدوبندهای پنهانی باشد این‌ها هم را هش را بلدند.

بقیه در صفحه ۱۲

عبیدی گوید تزوینی می‌خواست برخی سوار شود. ازینسو برجست و از آنسو بیفتاد. برخاست و گفت انگار که ورنجستم. رژیم آیت‌الله پس از آنکه هفت سال با شعارهای ضد غربی و واحد آفرینی و آتش افروزی به عنوان "صدور انقلاب"،

## بدترین تاکتیک

تصمیم برزیدن ریگان به تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی در شمار هفتای روز یکشنبه ۱۶ نوامبر ۸۶ همچنان مورد انتقاد شدید روزنامه‌های آمریکا بود. روزنامه معروف نیویورک تا می‌زد سرر مقابلش تحت عنوان: "در کاخ سفید چه چیزی به‌هنگام نیست" نوشت: "سیاست خارجی دولت ریگان در سراسر سقوط و هرج و مرج است". نیویورک تا می‌زد سرر زبرش مردن چند اشتباه دولت ریگان، می‌فزاید:

بقیه در صفحه ۲

## جناح‌های قدرت:

## دست‌به‌گریبان، تیغ برکف

شدند تا سخنان هاشمی رفسنجانی را بشنوند و بدانند که در راه تحولات تازه‌ای که در مناسبات ایالات متحده و جمهوری اسلامی روی داده است، چه می‌گوید. تنها این جماعت نبود که کنجکا و بود بدانند در دیدار مک‌فارلین، فرستاده ریگان به تهران، چه گذشته است. عباس دوزدوزانی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز کمترین زانان نگران نبود. بخشی از هیأت‌حاکم، به‌تندروی و مخالفت با سازش با آمریکا شهرت یافته است، به‌شدت نگران است، زیرا رویکرد تازه جمهوری اسلامی به آمریکا نمی‌تواند بدون بیابان‌های دراز آهنگ سیاسی در سلسله مراتب قدرت در جمهوری اسلامی باشد.

بقیه در صفحه ۳

کرد آمدن اسام "حزب‌الله" در برابر ساختمان سفارتخانه آمریکا در ۱۳ آبان، یک گردهمایی معمولی نبود. این نبود که مانند سال‌های پیش، بیابان‌شعاری به‌دندوی چرمی بسوزانند و قطعنا مس‌های بخوارند و سپس راه‌خود را بگیرند و بروند. برگذار می‌میرام، اسام در سایه جنگ قدرتی بود که جناح‌ها و شخصیت‌های رقیب را، تیغ برکف، در برابر یکدیگر قرار داده است. چنین شعار "مرگ بر آمریکا" اگر چه اسام نیز در فضا می‌بیچید، لیکن گوش‌های حساس‌تر آن میان مس‌های "مرگ بر رفسنجانی" را نیز می‌شنیدند. بی‌سبب نبود که جماعت نظر هرکننده در برابر سفارت آمریکا، پس از بیابان مراسم، رهسپار مجلس شورای اسلامی

## معامله با طایفه دزدان

دورویی فضا حت با آخوندهای حاکم که برای حفظ قدرت، در عین تظاهر به خصومت آشتی‌ناپذیر با دولت آمریکا، با توسل به تروریسم و گروگان‌گیری، با او به معامله می‌پردازند و وقتی مجسمان با زمی شود، مهملاتی مثل نان شیرینی به شکل کلیدوا تجیل مهر شده سرهم می‌کنند، چیزی نمی‌گوئیم. هشت سال تجریسه روزمره ملت ایران ما را از توصیف حدود ریگاری و وقاحت این شیادان بی‌نیاز می‌کند.

اما در مورد اظهارات پرزیدنت ریگان راجع به فروش مقداری اسلحه به جمهوری اسلامی با پدیده‌ای نکته‌دقیق توجه کرد:

ملت آمریکا از انتشار خبر معامله با جمهوری اسلامی برای آزادی گروگان‌های بقیه در صفحه ۳

متن پیام رادیوئی دکتر شاپور بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، خطاب به ملت ایران، در باره معامله اسلحه جمهوری اسلامی با دولت آمریکا در برابر آزادی گروگان‌های آمریکا، در شماره آینده بنظر خوانندگان گرامی خواهد رسید.

## عذر گناه

"سرفسری هو" وزیر امور خارجه انگلستان روز جمعه ۱۴ نوامبر در برابر مجلس عوام انگلیس بدون اینکه صریحا از دولت آمریکا نام ببرد هر نوع معامله‌ای را با گروگان‌گیرها محکوم کرد و بوزیسون کاگر در مجلس عوام اظهارات او را بعنوان یک "افشای بحق تحویل اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی" مورد تایید و تحسین قرار داد.

روزنامه آلمانی "بیلدا-توتونگ" بر اساس اظهارات یکی از وزیران کابینه آلمان نوشت که آقای هلموت کهل صدر اعظم و هانس دیتریش گنشر، وزیر امور خارجه آلمان فدرال گفتگو و معامله اسلحه با جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنند.

بقیه در صفحه ۲

## مفاخر رژیم

در صفحه ۴

مذاکرات پنهانی سردمداران حکومت آخوندی با مقامات آمریکا، اظهارات اخیر رئیس جمهوری آمریکا، موجی از خشم و عصبانیت در سراسر جهان، بخصوص در افکار عمومی آمریکا، نشان از نیک‌ظرف و هموطنان ما از طرف دیگر وجود آورده است. ما در باره

## قاطر چموش.

## مرکب را هوار شده است؟

کدام را باید باور کرد - سوگند مسئولان دولت آمریکا که به هیچ روی با تروریست‌ها مذاکره نخواهند کرد، یا گفتگوهای محرمانه‌ای را که از یک سال پیش، بنا به شایعه‌ها و خبرها، بنا نما بینندگان جمهوری اسلامی صورت گرفته است؟ آیا آمریکا ریگان دار در در همان دامی می‌افتد - یا همان‌گونه دیگر افتاده است - که آمریکا کا رتر در آن افتاده بود؟ آیا تروریست‌ها می‌توانند در سال ۱۳۵۸ از دیو اسفارت آمریکا بالا رفتند، دیپلمات‌های آمریکا بی‌چشم‌ها و دست‌های بسته به گروگان گرفتند و آن رسوائی را بی‌آوردند، اکنون بچه‌های سر بر آبی شده‌اند؟ آن قاطر چموش لگدن جمهوری اسلامی خمینی، اینک آیا مرکب را هوار کرده است که می‌توان به دلخواه از آن سواری گرفت؟ این را چگونه می‌توان توضیح داد که ایالات متحده، نه یک بار که بارها، اعلام داشته است که جنگ خلیج فارس با پدیده‌های پدید، اما در عین حال به آن طرف جنگ که زیر بار مذاکره صلح یا آتش‌بس نمی‌رود، اسلحه می‌رساند؟ کدام میک بقیه در صفحه ۲

## دوران آشفتگی انقلابی

هر انقلابی دارای دوره‌ها و متمایز از یکدیگر است، یکی دوره‌ای که نیروهای انقلابی، سوار بر موج خیزان قیام همگانی، آهنگ تسخیر قدرت سیاسی را می‌کنند و نظام پیشین را به هم می‌ریزند، و دیگری دوره‌ای که آنان می‌کوشند نظام تازه‌ای را جانشین نظام کهن گردانند. انقلاب اسلامی نیز از این قاعده برکنار نیست.

بقیه در صفحه ۴

### قاطر چموش

## مرکب را هوار شده است؟

بقیه از صفحه ۱

درست است: راهی دادگاه‌ها یا آمریکا که به موجب آن سوادگران اسلحه قاچاق به جمهوری اسلامی به زندان و جریمه محکوم شده‌اند، یا خبرها و شایعه‌ها مبنی بر اینکه سلاح‌های آمریکایی به میانجیگری اسرائیل برای جمهوری اسلامی فرستاده شده است؟ آیا راه‌های دوسه‌گروگان آمریکا از جنگ حزب الله یا جهاد اسلامی در لبنان، با بدخاکستر فراموشی بر مرکب ۲۵۰ تنگنادر دریای آمریکا در لبنان نباشد که در آنجا رقرار کارگاهان در زیر خوارها خاک‌جان سیرند؟

همه‌گزارش‌ها و برآوردها حکایت از آن دارد که افکار عمومی آمریکا نسبت به هر آنچه نشانی از آیت‌الله و تروریسم و گروگان‌گیری دارد، بسیار حساس است. ولی کمتر گزارشی در این باره انتشار یافته است که افکار عمومی ایران تا چه اندازه نسبت به این گونه‌گزارش‌ها حساسیت دارد. و حقیقت این است که حساسیت مردم ایران در این باره به هیچ روی کمتر از حساسیت مردم آمریکا نیست. آیت‌الله، تروریسم و گروگان‌گیری، با آن که نزدیک شش سال از آزادی گروگانهای آمریکا در تهران می‌گذرد، همچنان مانده‌کار بوسی بر ذهن آمریکاییان سنگینی می‌کند. هر یک از این سه واژه - آیت‌الله، تروریسم، گروگان‌گیری - دوواژه دیگر را تداعی می‌کنند و نقش آن‌ها را بر ذهن‌ها حک می‌کند.

ملت ایران، از این رسوائی‌ای که در خاک او و بیار آمد، همواره در برابر جهان نیان، خاصه آمریکاییان، احساس شرم می‌کرد، ولی مگر کاسه داغ تراش هم می‌توان شد؟ می‌توان نقش‌دایسه مهربان ترا ز ما در را بازی کرد؟ اگر گزارش‌ها و خبرها در باره تحولات اخیر در مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی درست باشد که هست، پس مردم ایران حقیقتاً از حیث اخلاقی برآشوبند و از حیث سیاسی برآشوبه بزرگ دولت کنونی ایالات متحده اسف بخورند.

ما این را خوب می‌فهمیم که در سیاست جهانی ایالات متحده به عنوان یک ابر قدرت، ایران جای بسیار مهمی دارد. ولی اهمیت ایران بشواری می‌تواند رویدادهای و تحولات تازه را توجیه کند. گزارش‌های هولناک منابع گوناگون، از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

متحد، صلیب سرخ و غنوبین المللی، کافی است تا حدتجا وزرژیم کنونی ایران به ابتدائی ترین حقوق بشر معین گردد.

هیچ رژیم درجهان وجود ندارد که بتوان بی اعتنائی و تجاوت آن را به حقوق بشر با رژیم‌تهران مقایسه کرد. در رژیم‌های دیگری نیز به حقوق بشر تجاوت می‌شود، ولی رژیم‌تهران نه تنها مدام به حقوق بشر تجاوت می‌کند، بلکه از اساس منکر چنین حقوقی نیز هست و می‌خواهد با صلاح حقوق بشر اسلامی خود را جانشین آن سازد.

با این همه اگر بپنداشته شود که لنگر اخلاق نباید مانع حرکت کشتی سیاست شود، ضروری است که به اشتباه سیاسی کارتر نتاء کید گردد. رژیم تهران، بر حسب ذات و ماهیت، رژیم نیست که بتوان با آن قول و قرار سیاسی در خورا اعتمادی گذاشت. ساده‌ترین و در عین حال قانع کننده‌ترین دلیلش این است که هیچ معلوم نیست در آنجا صاحبخانه کیست، بنی مدرو قطب زاده به عنوان طرف‌های مذاکره در باب گروگان‌های آمریکا در تهران، امروز دیگر در صحنه نیستند، ولی کسانی که جای آن‌ها را گرفته‌اند، به همان اندازه بی اختیارند که بنی مدرو قطب زاده بودند. هیچ کس نیست که بتواند به نام خمینی سخن بگوید. او امروز نیز مانند سال ۱۳۵۷ دربار ریس، سخنگو ندارد.

این شگردی است که وی همچنان بکار می‌برد تا بتواند هر وقت که خواست، زیر هر قولی بزند که ادرا فیانش داده‌اند. از بیامدهای داخلی تحولات اخیر را بگذریم، تاء شرمینی آن بر سیاست آمریکا در منطقه نیز درخور توجه است. سیاست آمریکا در منطقه را در نقطه ضعف مزمنی است به نام همبمانی استراتژیک آن با اسرائیل. ولی به هر حال این باری است که آمریکا نمی‌تواند از آن شانه خالی کند. اعراب، اگر از همبمانی استراتژیک آمریکا - اسرائیل ناخرسند بودند، دست کم می‌توانستند در به این خوش کنند که آمریکا با رژیم تهران ما درکننده، تروریسم و دارنده چشم طمع به خاک آن‌ها، سرسازگاری نخواهد داشت. بیم آن می‌رود که آمریکا این امتیاز را از دست بدهد، بی آن که به ازای این خسارت جزیه‌مسنکی بدست آورد.

می‌نویسد: "نتیجه‌ای که تا حال از این ماجرا بدست آمده یک مصیبت سیاسی است که خودداری رئیس جمهوری از اقرار به اشتباه‌ها اثر آن را چندبرابر می‌کند. این روزها می‌افزاید که: "قاریگان با دادن توضیحاتی ناقص و غیرقابل قبول بدترین تاکتیک را انتخاب کرده است. ترجیح داشت که در کمال صداقت اعتراف می‌کرد که در درجه اول بخاطر سرنوشت گروگان‌ها دست به این عمل زده است."

### بدترین تاکتیک

بقیه از صفحه ۱

"هیچ رئیس جمهوری نمی‌تواند که ملا از تپیه در مان با شمولی این او ا خربا شیوه‌های غلطی در سیاست خارجی رسم که نمی‌تواند نیم در باره دشک نکنیم. دست به نویست خود

### راه شیطان!

بقیه از صفحه ۱

بتوانند آن را نشنیده بگیرد. خوشبختی‌ها که خود را کارشناس و رود شیطان به قلب آدم‌های مومن نشان داده است، می‌گوید: مقرر شد انسان خدا را عبادت کند و اسیر سوسه‌های شیطان نشود. اما شد. پس در جهنم افتاد. وی می‌افزاید: "طبیعی است وقتی شما این بیمان را زیر پایشان گذاشتید، عاقبت و پیمان کار این خسارت عظیم، جهنم است."

حجت‌الاسلام خوشبختی‌ها شرح می‌دهد که: "شیطان از راه‌های بسیار مرئی وارد می‌شود که انسان متوجه نیست... عوام مل شیطان به یک ملت در حال انقلاب از ابتدا پیشنها دهنده‌ها بیاید ولایت فقیه و بردارید... از نقطه‌های گورا و می‌شود... آمریکا هیچ وقت نمی‌آید به ملت ایران پیشنها دهنده‌ها بیاید ولایت فقیه و حکومت اسلامی را راه‌کنید... ولی آدم مومن می‌فهمد که راه نفس‌اماره و راه شیطان کدام است..."

ترجمه این اشارات در ارتباط با میاننداری اخیر رفسنجانی این است که: آقای رفسنجانی، شما را مستقیماً "بسه واشنگتن دعوت نمی‌کنند، یک سفر برآب و تاب به ژاپن برایتان ترتیب می‌دهند، با ریاستی به حضور امیرا توررا به شما روا می‌دارند و آن وقت مک‌فارلین را بواشکی به تهران می‌فرستند.

خوشبختی‌ها تمثیل شیطان و مومن را بی‌گمان برای رابطه آمریکا با رفسنجانی بکار برده است. جرم این گناه به‌زعم خوشبختی‌ها سوختن رفسنجانی به آتش جهنم است. بدین ترتیب باید منتظر بود و دید خوشبختی‌ها زودتر رفسنجانی را به عقوبت الهی دچار خواهد ساخت یا رفسنجانی خوشبختی‌ها را هر چه پیش‌آید، خمینی احتمالاً پس از اجرای حکم قضاوت نهائی خود را خواهد کرد.

هم‌مهمان عزیز!

هر روز نلسن خری نخت مناومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح سارا در جریان آخرس جرمهای ایران و جهان قرار می‌دهد. شماره نلسن: ۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ پارس

### مذاکرات محرمانه

جان بوئینت دکستر، مشاور امنیت رونا لدریگان بوده است. نشریه انگلیسی آبزور بدون ذکر تعداد این سلاح‌ها، می‌نویسد: محموله‌های آمریکایی از طریق بندر ایلات واقع در اسرائیل به بندر عباس حمل شد و ۴۸ ساعت بعد، بهای ایمن سلاح‌ها از طریق بانک درسیوئیس برداخت گردید. از سوی دیگر نشریه انگلیسی میل آن ساندی، نیز در شماره اخیر خود فاش کرد که رژیم جمهوری اسلامی از طریق عدنان قاشقی با شرکت لندروور انگلستان وارد مذاکره شده تا ۳۰۰ میلیون پوند را به رزش ۲۷ میلیون لیره انگلیسی خریداری کند. این مذاکرات می‌بایست به یک قرار داد دوم شامل تحویل ۱۱۷۰۰ توموبیل جیب‌دیگر به جمهوری اسلامی بیانجامد. اما سخنگوی وزارت خارجه انگلیس، اعلام کرد که سیاست انگلستان تغییری نگردانده است و لندن به هیچ یک از طرفین جنگ خلیج فارس اسلحه نخواهد فروخت.

حال آنکه جمهوری اسلامی اصلاً با ابر قدرت دیگر، یعنی اتحاد شوروی، مسئله‌های ندارد. خامنه‌ای آقا فراموش کرده است که رهبران انقلاب اسلامی بارها گفت‌وگو کرده‌اند. انگلیس بدتر از آمریکا و شوروی بدتر از هر دو؟ اما اگر حافظه رئیس‌جمهوری اسلامی در اثر گوناگونی مشغله اندکی دچار نقصان شده است، به یادش می‌آوریم سخنان آیت‌الله منتظری را در روز سه‌شنبه ۱۳ آبان امسال، که به اساتید و طلاب حوزه علمیه قم چنین گفت: "اینکه ما می‌گوئیم مرگ برآمریکایی مرگ برآستعمار و ظلم و ستم. وقتی به اینجا رسید شوروی هم همین طور است. شوروی جنا پیکاری بدتر از آمریکا است و در افغانستان چه می‌کند. هر روز مردم بیچاره را بمباران کرده به شهسادات می‌رساند، رها هم نمی‌کند. استعمار شوروی بهتر از استعمار آمریکا نبوده است. اینکه این‌ها با ما هم..."

می‌نشینند و به اصطلاح در باره خلع سلاح صحبت می‌کنند، دروغ است. آن‌ها در باره از بین بردن اسلام تفاق می‌کنند. گمان می‌کنیم همین نقل قول آیت‌الله منتظری کافی باشد تا رئیس جمهوری اسلامی بفهمد که پاسخ دندان شکن چه معنائی دارد.

منتظری، حتماً اشاره به بازداشت نزدیکان خود دارد که برای آن روزها افسر می‌خورد که دشمنان امروز، دیروز دوستانی در کنار یکدیگر بودند. وی می‌گوید حال که دیگر از وحدت در جمهوری اسلامی خبری نیست، دست کم در برابر ملت با تبا دیگر کشورها مواظب باشد که بیش از این به ما ساس جمهوری اسلامی لطمه‌ای وارد نشود. به سخنان خودش توجه کنیم: "تشریحی نه‌غربی بهترین شعراست، به شرط آن که از اعماق دل و در عمل باشد... اگر بنا باشد معاملات اقتصادی مقدمه نفوذ ابر قدرت‌ها گردد، ملت حاضر است کرسنگی بخورد، ولی زیر بار نرود.

باید به ولی فقیه تذکر داد که ملت هم اکنون دارد کرسنگی می‌خورد. کرسنگی خوردن ملت ربطی به تمام رژیم‌های آمریکا ندارد. بلکه زبی کفایتی رژیم است.

با این همه تماس با آمریکا، بخشی از هیأت‌ها که رژیم را بشدت نگران کرده است، به هر حال دیرباز زودکسان و گروه‌های آزادی‌خواه را که در این راه قربانی خواهند شد، تصادفی نیست که حجت‌الاسلام محمد موسوی خوشبختی‌ها احساس وحشت کرده می‌گوید: "باید به هیچ نیروی، با هر کیفیتی، اجازه بدهیم نقطه کور ورود آمریکا باشد." این پیام روشن تر و صریح تر از آن است که حجت‌الاسلام علی اکبر رفسنجانی

هفته‌نامه‌ی آبزور چا بلندن در شماره ۱۶ نوا مبریه نقل از منابع اسرائیلی نوشت: آمریکا مذاکرات مربوط به تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی در ازای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را، از طریق یک تاجر سعودی و یک مقام عالی رتبه‌ی اسرائیلی، طی جلسه‌ای محرمانه که در ۱۹ فروردین ماه سال جاری در لندن برگزار شد انجام داده است. به نوشته آبزور، طی این جلسه قرار شد آمریکا سلاح‌های ضدتانک، موشک‌های ساپداو بندر، موشک‌های ضد هوایی و هاوک و قطعات یکدیگر هلیکوپتسر و هواپیماهای شکاری اف-۱۴ و اف-۴ به جمهوری اسلامی تحویل دهد.

آبزور می‌نویسد: شرکت کنندگان در این جلسه عبارت بودند از: آمیستام نیر، مشاور عمومی شیون پرنخست وزیر سابق اسرائیل در امور تروریستی، منوچهر قربانی فر، مشاور امنیت میسر حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی، و عدنان قاشقی، مرد ثروتمند عربستان سعودی و واسطه‌ی این مذاکرات طرف آمریکا بی این قرارداد، درباردار

## معامله با طایفه دزدان

بقیه از صفحه ۱

آمریکائی - با خاطره تلخی که از گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران دارد - ما حینظرا ن سیاسی بر این نظرند که برزیدنت ریگان تنها به منظور آرام کردن افکار عمومی است که به این ماجرا جنبه سیاسی داده و می گوید که قصد آمریکا از افتتاح باب گفتگو و تحویل بعضی سلاحها به جمهوری اسلامی، ایجاد رابطه، با هدف جلوگیری از تسلط شوروی و کمونیسم بر ایران بوده است.

ما این نظر را کلا "قبول" می دانیم. زیرا دولت مردان آمریکا هنوز خاطره اشتباهی را که در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، به تلقین دیگران و به انگیزه جلوگیری از تسلط کمونیسم در ایران، مرتکب شدند فراموش نکرده اند و اعتقاد داریم که حکومت کنونی آمریکا شخص برزیدنت ریگان، بر اساس تجربه اشتباهات مکرر دیگر در نیم قرن اخیر، بخوبی دریافته اند که فروغ فساد و اختناق، مناسبترین محیط را برای پرورش و رشد کمونیسم به وجود می آورد. گرایش سیاست خارجی آمریکا در این امر، به سوی عدم حمایت از رژیم های خودکام مرفوسد، مثل رژیم سابق فیلیپین و حکومت های ژنرال ها در آمریکا لاتین و حتی کمک به استقرار دیکتاتوری در این کشورها، شاهدی بر این واقعیت است.

اگر دولت آمریکا، مریزینا چاربرای آزادی اتباع اسیر خود، با حکومت آخوندها با مذاکره را باز کرده، مسلما از این واقعیت غافل نیست که دادگاه حیات رژیم که با بهای قدرتش بر اختناق و سرکوبی بعنوان وسیله حکومت کردن، فرار داد و در برنا مسله اعلام شده است صدور انقلاب از طریق توسعه جنگ و تروریسم است، نه تنها در کوتاه مدت

امنیت و ثبات این منطقه حساس را برهم می زند، بلکه در نهایت امر با نارضایتی روز افزون ملت که سرحد استیصال رسیده است، راه نفوذ کمونیسم را هموار خواهد کرد.

اما بهرحال این تلاش بظا هر مشروع برای نجات گروگان ها از طریق تن دادن به باج خواهی تروریست ها اشتباه عظیمی است که زمینه را برای حدوث مصیبت های بزرگتری آماده می کند.

تسلیم شدن به شانتاژ تروریست ها رسمیت دادن به گروگان گیری و باج خواهی به عنوان یک شیوه جدید در حل و فصل مسائل بین المللی است و نتیجه منطقی آن این خواهد بود که دیگر هیچ آمریکائی هیچ فرانسوی و خلاصه هیچ فردی از دنیا ی

متمدن در هیچ نقطه دنیا امنیت نداشته باشد.

ما، همانطور که گفتیم، تحویل اسلحه از جانب آمریکا به جمهوری اسلامی را دقیقاً بهای آزادی گروگان های آمریکا نمی دانیم نه بیشتر، ولی حتی اگر، به فرض حال، جز این هم باشد یعنی داریم که چنین بدهستان هایی در راه را سخ ملت ایران بر مبنای رزه تا براندازی این حکومت سیاه، یا هر حکومتی که بعنوان حکومت مذهبی جا نشین آن شود، کوچکترین خللی وارد نخواهد ساخت. در سال های اخیر دنیا شاهد سقوط رژیم های بوده است که هر چند بر خورد را از حمایت بی دریغ قدرت های خارجی و بهره مندان مجرمت ترین سلاح ها بودند، از آنجا که با یگانه مردمی نداشتند نتوانستند موجودیت خود را در برابر جنبش های حق طلبانه ملت ها شان حفظ کنند و ملت ایران به حکم تجربه شخصی این واقعیت را بسیار خوب می داند.

ما به هموطنان خود اطمینان می دهیم که نه آمریکا و نه هیچ دولت مسئول دیگری در دنیا - حتی دولت های سوداگری که به طمع منافع مادی آنی با جمهوری اسلامی معامله می کنند - در راه رژیم خمینی و جا نشینان احتمالی آن توهمی در سر ندارند. نهضت مقاومت ملی ایران به نمایندگی از طرف مردم وطن دوست و سربلند ایران، به هر مناسبتی که پیش آمده، به دنیا یادآوری کرده است که گذشته از ثبات منطقه و صلح و امنیت جهانی است، ملت ایران رژیمی را که بنسب کارش بر تحقیر شخصیت انسانی و تحمیل قوا عدو آداب و رسوم و کهنه و گاملا بیگانه با هویت ملی اوست و موجب شده است که با فرهنگ و تمدن چند هزار ساله، در انظار جهان متمدن بعنوان قومی وحشی و تروریست معرفی شود، تحمل نمی کند و قاطعانه مصمم است که این حکومت و تحفه های مصیبت بارش را، که جز جنگ و ویرانی و قحطی و ناامنی نبوده است، برای همیشه به خاک بسپارد و در این مسیر تنها دوستی و محبتی که از قدرت های بزرگ توقع دارد اینست که در کنارش دخالت نکنند و بگذارند خود سرنوشت خویش را معین کنند و مطمئن باشند که ایرانی به آن حد از رشوه و فتنه سیاسی رسیده است که به هر نوع ایدئولوژی افراطی از چپ و راست، دست برد می زند.

گروگان ها، مجلس آمریکا را از این موضوع با خبر نکنند.

به گفته مقام های عالی رتبه ای آمریکائی، رئیس جمهور آمریکا می تواند دست به عملیات مخفیانه بزند بی آنکه مجلس آمریکا را در جریان آن قرار دهد. اما هم اکنون همین امر مورد حمله نمایندگان مجلس آمریکا قرار گرفته است.

در همین رابطه معاون کمیسیون اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا روز ۱۶ نوامبر گفت: دولت رونا لدریگان طی مذاکرات مخفیانه خود با رژیم جمهوری اسلامی ممکن است قوانین آمریکا را نقض کرده

باشد.

به نوشته نشریه دی ولت به نقل از منابع دولتی آلمان غربی، سلاح های آمریکا که در طول چند ماه اخیر به جمهوری اسلامی تحویل داده شده به مبلغ یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بالغ می شود.

در میان این سلاحها، ۷۰ هلیکوپتر و تعداد زیادی موشک ضدتانک وجود دارد. نشریه ای محافظه کار دی ولت که به دولت هلموت کهل نزدیک است، بدون ذکر جزئیات می نویسد که آمریکا تحویل سلاحها را از طریق کشورهای آسیای انجام داده است.



## شگردهای سیاسی

میان گفتار و کردار اهل سیاست همیشه کودالی وجود داشته است. تا لیران این راه شیوه ای بیان کرده است که جای شبهه ای باقی نمی گذارد، می گویند: " کلام برای پوشاندن مقصود است نه برای ادای آن". همین جمله را زانوار استثنائی است که تا لیران از کلام برای پوشاندن مقصود استفاده نکرد، پوشاندن مقصود، دست خود را روشن کرد، دست حریف را خواندن و او را به اشتباه افکندن فقط شگردهای جنگی نیست، شگردهای سیاسی نیز هست. با این همه برای نیرنگ ها و ترفندها با پدحی قائل شد تا به اصول لطمه نزنند. فقط اعتقاد به اصول است که می تواند در سیاست و جنگ بکار بستن ترفندهای را که از احکام اخلاقی بر نمی آیند، مجاز جلوه دهد.

مغرب زمین مدتهاست که عدم مذاکره با تروریست ها یا دولت های حامی آن ها را

به عنوان اصل، پذیرفته است، زیرا این را در خدمت اصل مبارزه با تروریسم می دانند. می گویند تروریسم، کمه آدم ربائی نیز بخشی از آن است، با ایداز مناسبات بین المللی رخت بر بستند. می گویند اگر با تروریست ها یا دولت های که از آن ها حمایت می کنند، مذاکره شود، نه تنها این عارضه بیمارگونه از فضای مناسبات بین المللی نخواهد رفت، بلکه خود را با شدت و دامنه های بیشتر بر آن تحمیل خواهد کرد.

مغرب زمین این ها را می گویند. این گفتار را وست، ولی کرداری جز این دارد. مذاکره با تروریست سابقه ای به قدمت خود تروریسم دارد. نه تنها با تروریست ها مذاکره شده، بلکه بدانها امتیازهای نیز ارزانی گردیده است. فرانسه، آمریکا، انگلستان، اسرائیل - هملاف مبارزه با تروریسم و عدم مذاکره

بقیه در صفحه ۱۱

## جناح های قدرت:

### دست به گریبان، تیغ بر کف

بقیه از صفحه ۱

دوزدوزانی، پس از آنکه از انحراف انقلاب اسلامی از اصول، ایران تکرانی می کند، می گویند: "ولوا بیکه جان امثال من درگروا این مطالب باشد، ... از برخی آموخته ها، دیدارها و گفتگوها منتهی در برده های سیاسی - نگرانم." او در باره علت نگران می خویش پیش از این چیزی نمی گوید، اما علاقمندان را به بیانیتهای حواله می دهد که از سوی دفتر تحکیم وحدت انجمن های اسلامی دانشگاهها انتشار یافته و در روزنامه کیهان (چاپ تهران، مورخ ۸ آبان) چاپ شده است.

دفتر تحکیم وحدت... که به معنای همان "ادامه" دانشجویان خط امام است که با اشغال سفارت آمریکا نام خود را بر سر زبان ها انداخته اند، در آن بیانیه از جمله می گوید که اگر چه مناسبات میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده، ظاهرآ برقرار نیست، ولی به میانه نگی آلمان فدرال، انگلستان، فرانسه و ژاپن - که از هم میانه آن آمریکا هستند، رابطه ای با کلیت امپریالیسم غرب برقرار است. دفتر تحکیم وحدت، هنگامی آن علامیه را انتشار داد که هنوز از ما جاری دیدار محرمانه مک فارلین از تهران پیرو برداشته نشده بود. ولی در فاصله انتشار آن بیانیه و برگزاری مراسم در برابر سفارت آمریکا، یعنی در عرض پنج روز، خبر آن دیدار، دیگر در سراسر جهان پیچیده بود. در نتیجه قطعنامه ای که "دفتر تحکیم وحدت" به مناسبت برگزاری سالروز گروگان گیری انتشار داد، اشاره ای صریح تریبه تلاش های رفسنجانی برای راهگشائی به سوی آمریکا داشت.

در ماده دوم این قطعنامه آمده است: " ما اعتقاد داریم که تحقق اهداف انقلاب در گرو نبرد با آمریکا است... آمریکا در صدد آن است که با شناخت نقاط ضعف موجود... راه های نفوذ مجددی بیابد... ما برخاسته می دانیم در مقابل ترفندهای جدید و راه های نفوذ آمریکا که با... تکیه بر با یگانه های داخلی و به طور پنهانی عمل می شود، ایستادگی کنیم. این قطعنامه ای که هیچ ابهامی باقی نمی گذارد که آمریکا از مدت ها پیش آهنگ یک راهگشائی تازه به درون دستگاه قدرت جمهوری اسلامی را کرده است، از کجا

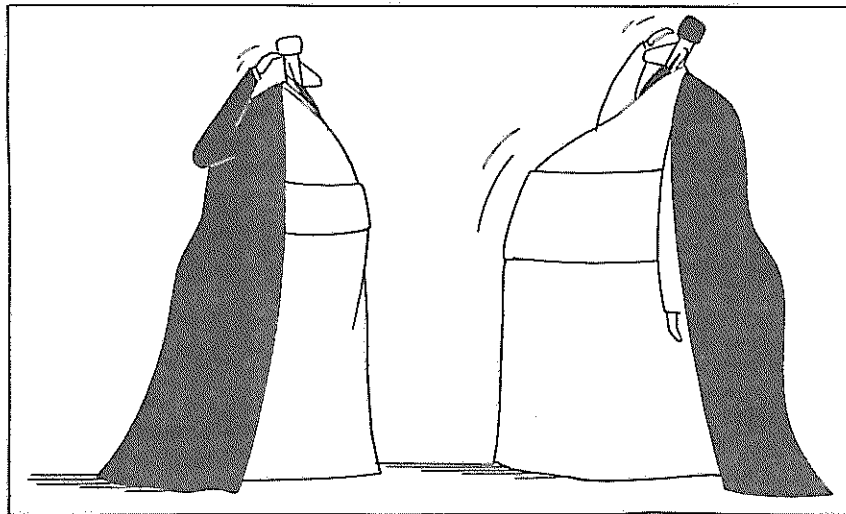
و چگونه او ردمی شود؟ " دفتر تحکیم وحدت " می آنکه نامی از کسی ببرد، فقط می گویند: "از نقاط ضعف موجود، با تکیه بر بیابان های داخلی و بیابان های پنهانی".

نقطه ضعف موجود چیست؟ کم آوردن جمهوری اسلامی در جنگ از جمله به علت نداشتن وسایل پدکی و غیره، یا یگانه های داخلی آن کدامند؟ بی آنکه کسی چیزی گفته باشد، رفسنجانی نگاهها را بر خود دوخته می بیند. شیوه مذاکرات چه بوده است؟ پنهانی. و به همین سبب است که رفسنجانی همه چیز می گوید، مگر آن که در گفتگوها فرستادگان آمریکا چه گذشته و از چه سخن رفته است.

رفسنجانی با بدخوب بداند که هشت سال تبلیغات رژیم اسلامی، محیط را به هیچ روی حتی برای مذاکره ای جدی با آمریکا مساعد نگردانده است. در بوجود آوردن موج تبلیغات ضد آمریکا می مسلما عناصر چپ - از مذهبی گرفته تا غیر مذهبی و ضد مذهبی - داخل مورشداشته اند و دارند. زمانه را از اسلامی از این موج برای بیرون راندن رقبای خود زمینده هموار شده استفاده کرده اند. ولی اکنون که خود ناگزیر شده اند بنجره ای به سوی آمریکا بگشایند، باید نگران باشند از اینکه مبادا آن موج به سوی خودشان برگردد.

سخنان برخی نمایندگان مجلس از یک سو و بیانیتهای قطعنامه "دفتر تحکیم وحدت" از سوی دیگر هشدارهایی به انداز "کافی جدی هستند که رفسنجانی و حتی خمینی را بیمناک کنند. خمینی لبتیه، مانند همیشه در چنین مواردی، فعلا خود را کنار کشیده است و نظاره می کند. زیرا با مناسبات با آمریکا را گشودن و در عین حال از حمایت عنایت تروریست درون رژیم برخوردار بودن، معضله نیست که رفسنجانی بتواند آن را با شوخی های بی مزه حل کند. رفسنجانی و خا مندهای می گویند آمریکا به در پیوستگی افتاده است. ولی اگر چنین بود، عناصر تندرو مسلما تا راحت نمی شدند. آنان معنی درست در پیوستگی را هم گرانند، این را به چشم می بینند که دست کدام کس برای گرفتن اسلحه و کمک اقتصادی به سوی کدام درازنده است.

## مفاخر رژیم



هیچ شنیده‌اید که زمامداران رژیم‌ها و حکومت‌های با شیات جهان در هر فرصتی که دست می‌دهد سوگند بخورند که رژیم یا حکومتشان، به کوری چشم این و آن، تثبیت شده‌است؟ آنان چنین نمی‌کنند، زیرا تا کید مدام بر وجود چیزی، دلیلی بر آن است که آن چیز وجود ندارد. یک مثل عامیانه: خودمان نیز می‌گوید: "گفتی، بساور کردم، اصرار کردی، شک کردم، قسم خوردی، فهمیدم که دروغ می‌گویی." سوگند مدام زمامداران و کارگزاران رژیم تهران در باره شیات جمهوری اسلامی، از همین مقوله‌است. آخرین نمونه‌اش را آیت‌الله خمینی در سخنرانی روز یکشنبه ۱۸ آبان ارائه داد. گفت: "دشمنان ما چه در داخل و چه در خارج با یذبدا نندگه جمهوری اسلامی به کوری چشم بر قدرت‌ها، به کوری چشم منافقین و مخالفین...، تثبیت شده است و خلی در آن وارد نخواهد شد."

از آنچه تا کنون بدست آمده است، بدست نمی‌آید. خمینی انکار که فرا موش کرده‌با شد که چند ماه پیش به بیرون و مقلدان خود دستور داده بودا مسال تکلیف جنگ رایکسر کنند، روایت کهنه‌اش را تکرار می‌کند. می‌گوید: جنگ تکلیف شرعی است، چه به نتیجه برسد، چه نرسد. وی دیگر با آن قاطعیت پیشین از سرنگونی حکومت عراق حرف نمی‌زند. فقط می‌گوید: "او (یعنی مدام حسین) انشاء الله به همین زودی برود، به هر حال چهره رفتنی باشد چه نباشد، ما داریم تکلیف ادا می‌کنیم." پس آن وعده‌های برهیا هوئی که به امت حزب الله می‌دادند، چه شد؟

باری، هیچ چیز به چشم نمی‌خورد که دلالت بر شیات یا فتن رژیم داشته‌باشد. نیز هیچ نشانه‌ای دیده‌نمی‌شود که روزی این جمهوری اسلامی روی شیات ببیند. از انبوه مسائل گوناگونی که رژیم با آن‌ها روبروست، حتی یک مساله به راه‌حلی نرسیده است. مساله جانشینی که آن همه دربارهاش لاف زدند و رجز خواندند، دوباره به صورت موضوع یک جنگ قدرت بی رحمانه در میان جناح‌ها درآمده است. این جنگ، بن بست رژیم را فقط عبور ناپذیرتر کرده است. خمینی به چشم می‌بیند که قدرت چگونه مانده‌اند، نه‌ای ثن از میان انگشتانش می‌ریزد و کاری نمی‌تواند بکند. همین آخرین سخنرانی، او را در ضعیف‌ترین موضع نشان داد. تا بودی سیاسی او پیش‌پیش‌نا بودی جسمانی اش حرکت می‌کند.

بدهید. "دریوزگی از این آشکارتر؟ مگر همین‌ها شمی رفسنجانی نبود که با رها گفت تعیین کننده در این جنگ، اسلحه نیست، ایمان برادران رزمند و امداهای غیبی است؟ حالچه شده است که از آن ایمان و امدا، بدون اسلحه آمریکائی دیگر کاری ساخته نیست؟ چرا خمینی دیگر با آن لحن قاطع و مطمئن در باره سرنوشت جنگ سخن نمی‌گوید؟ خمینی می‌گوید که اهمیت جنگ امروز از اهمیت فرود دین بیشتر است. اما اگر می‌گفت که اهمیت آن از اصول دین نیز بیشتر است، باز نتیجه‌ای بیش

قدرت رسیدن، او را به عنوان یکی ز مفاخر خود عرضه داشته است. چنین رژیمی را چنان مفاخری هم باید! رژیمی که با یک دست پرچم آمریکا را می‌سوزاند اما همزمان با آن، دست دیگرش را برای دریوزگی اسلحه به سوی آمریکا دراز می‌کند، آیا می‌تواند مدعی شیات باشد؟ هاشمی رفسنجانی، مرد به اصطلاح "قدرتمند" رژیم، خطاب به ایالات متحده می‌گوید: "با ما دشمنی کنید، تبلیغات خود را علیه ما ادامه دهید، ولی نگذارید اسلحه مسلمانان را به اینان زنگ بزنند و آن را به ما

این که آیت‌الله خمینی سخنانی را خطاب به افراد نیروهای مسلح رژیم ادا می‌کند، معنای خاصی دارد. با سسداران، کمیته‌چی‌ها و بسیجی‌ها دارند به تدریج روحیه خود را از دست می‌دهند و این نه تنها موضع رژیم را در جنگ ناتوان می‌گرداند، بلکه دست سرکوبگران را نیز در برابر مخالفت روزافزون مردم سست ترمی‌کند.

تصادفی نیست که خمینی گفت از پاسداران و کمیته‌چی‌ها و بسیجی‌ها تشکر می‌کنند از این که جمهوری اسلامی را تثبیت کرده‌اند. این اعتراف صریح خمینی به آن است که قدرت جمهوری اسلامی او دیگر مدت‌هاست که از زوده مردم برنی خیزد، بلکه زلوله تفنگ پاسدارانش می‌آید. و هنگامی که پشتیبانی مردم نباشد، خوب می‌توان تصور کرد که لوله‌های تفنگ‌ها چه آسان می‌توانند در یک چرخش صدو هشتاد درجه‌ای به سوی کسانی نشانه رود که در برابر اعتراض مردم جز به لوله‌های تفنگ تکیه نمی‌کنند.

همه آنچه رژیم برای نشان دادن به اصطلاح شیات خود به نمایش می‌گذارد، در واقع دلیلی بر عدم ثبات آن است. در رژیمی که سیل شایعه‌های گوناگون در همه‌جای جا معه چنان جاری است که رهبران با یدهر چندگاه یک با رظا هر شود و به تکذیب شایعه‌ها بپردازد، آیا می‌توان از ثبات سخن گفت؟ در رژیمی که نماینده مجلس آن را بی هیچ تشریفات با زداشت می‌کنند، آیا می‌توان از ثبات سخن گفت؟ آن هم نه یک نماینده ساده مجلس، بلکه شخصی از زاد و رود آیت‌الله کاشانی که رژیم زهان نخستین روز به

## دوران آشفتگی انقلابی

بقیه از صفحه ۱

کنند. در این میان، آیت‌الله منتظری، سرشناس‌ترین این کسان است. اما همه نشانه‌ها حکایت از آن دارند که سرنوشتی سوا ی قریباً نیان دیگر در انتظار خواهد بود. با زرگان را با هیاهو کنارت گذاشتند، بنی صدر را از کشور فراری دادند، قطب‌زاده را چنان کشتند که به گواها کنان سابق زندان اوین، هولناک‌ترین صحنه‌های تورات را به یاد می‌آورد. منتظری را ممکن است با تشریفات کامل به خاک سپارند. به هر حال انقلاب فرزندان خود را یکی پس از دیگری می‌بلعد و به کام می‌کشد.

تجربه بدست آمده از همه انقلاب‌های تاریخ نشان می‌دهد که نبرد قدرت پس از انقلاب، که در درون دستگانه‌ها کم درمی‌گیرد، به پیروزی نهائی یکی از دست‌اندرکاران نمی‌انجامد، همه را به سوی نابودی می‌برد. تفاوت انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر تاریخ برای ما در این است که آن انقلاب‌ها به تاریخ تعلق دارند، حال آنکه نبرد قدرت در انقلاب اسلامی جلو چشم ما می‌گذرد و قریباً نیان خود را می‌گیرد.

همه با زبیران این انقلاب، از رفسنجانی گرفته تا خا منهای موسوی اردبیلی و خوئینی‌ها، اگر به مرگ طبیعی نمی‌روند، دیر یا زود قریبانی این نبرد قدرت خواهند شد. خمینی نیز از این قاعده حتمی‌گزیری ندارد. می‌گویند که وی به تا زگی به یکی از نزدیکان خود گفت: دور نیست آن روزی که مردم جلو حسینیه جماران جمع شوند و شعار "مرگ بر خمینی" سر دهند!

آن شدند. شکست تلاش برای برقراری نظم بدین سبب نیست که با نیان این تلاش دارای قدرت سیاسی کافی نیستند، بدین سبب است که این رژیم، بر حسب ماهیت خود، نظم نمی‌پذیرد.

بهترین گواه این گفته، فرمان هشت ماده‌ای خمینی است که هنوز مرکب آن خشک نشده عملاً از اعتبار افتاد. خمینی از دستگانه‌های سرکوبگر انقلاب خواسته بود بدون کسب مجوز به خانه‌های مردم نریزند، آبروی مردم را، هر چند هم که رفتاری به اصطلاح غیر اسلامی از آن‌ها سرزند، نبرند، به تفتیش در زندگی خصوصی مردم نپردازند. اگرچه دستگانه‌های سرکوبگر، پس از صدور این فرمان، یکچند ترمزها را کشیدند، ولی دیری نپایید که دوباره به خانه‌های مردم هجوم بردند، آبروی دیگران را برخاک ریختند و به تفتیش در زندگی خصوصی مردم پرداختند. از ستاد دیگری فرمان امام نیز که هنوز، چون نقشی بر دیوار، برجای مانده است، کاری بر نیامد. وقتی خمینی نتوانست وضع را در جمهوری اسلامی به حالت عادی برگرداند، چه کسی می‌تواند؟

با این همه فشا ردرونی جا معه برای دستیابی به نظم و رسیدن به حالت عادی چنان شدید است که با زهمگان تازه‌ای یا به میان گذاشتند تا از این فشا ر درونی جا معه به سود خود بهره‌بردار

تقریباً هشت سال پیش انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید. قوانین کهن، اگر هم رسماً لغو نشد، اعتبار و قدرت اجرائی خود را از دست داد، بی آن که قوانین تازه‌ای جانشین آن گردد. قدرت سیاسی که از دربار سرچشمه می‌گرفت، به اقامتگاه آیت‌الله خمینی در تهران یا قم انتقال یافت. قدرت سیاسی به دست آمده بود، اما نظم تازه‌ای جانشین نظم کهن نگردید.

انتقال از بی نظمی و آشفتگی انقلابی به دوره نظم و ترتیب پس از انقلاب، تقریباً بدون استثناء با خشونت و خونریزی همراه است.

انقلاب اسلامی هنوز دوره نخست، دوره آشفتگی انقلابی را می‌گذراند. هر تلاشی برای ایجاد نظمی تازه، از هر جا هم که سرزده‌باشد، تا کنون با شکست روبرو شده است. نخستین شکست را در این رهگذر دولت موقت مهدی با زرگان پذیرا شد. بنی صدر و قطب زاده، اگرچه زنا کامی با زرگان درسی گرفته و محتاط تر شده بودند، لیکن شکستی که در راه ایجاد نظم در رژیم اسلامی خوردند، بسیار سخت‌تر از شکست مهدی با زرگان بود. از آن پس مدت‌ها کسی جرأت نکرد در جهت غلبه بر بی نظمی جمهوری اسلامی به استقبال خطری بروند که با زرگان و بنی صدر و قطب زاده هر کدام به نوعی قریبانی

**رادیو ایران ساعت‌های بختی برنامه**

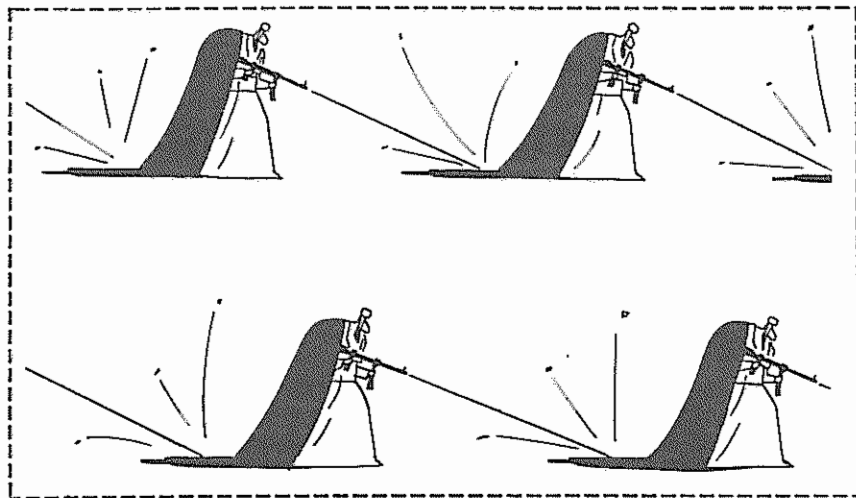
**برنامه اول**  
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ ساعت  
وقت تهران: روی امواج کورتسوا  
رادیوهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۲ متر (فرکانس ۱۳۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۵۰ کیلوهرتز).

**برنامه دوم**  
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کورتسوا  
رادیوهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۵۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کورتسوا رادیوهای ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۵۰ کیلوهرتز).





### سید کاشانی هم زیر سوال می رود



اهمیت خاصی می داد... این نوع مبارزه در یک رژیم غیرمردمی کا برود چندان نمی ندارد... برای افرادی که در جایگاه رهبری دینی قرار گرفته اند... مبارزات پارلمانی، در حدیک "انتخاباتی سیاسی" می توانند مضربا شد و آیت الله کاشانی با برگزیدن روش مبارزه پارلمانی در چنین انتخاری "قرار گرفتند" انتقادات نویسنده علیه کاشانی یکی از مقتدایان تاریخی رژیم، تمام شدن نیست. همچنان نیش و کنا پیه ها را حواله می کند، البته با لحنی که متنا سب با پیش درآ مدح ذی سیاسی او باشد. به این تکه های کوتاه و پراکنده از مقاله نویسنده توجه باید کرد:

... آیت الله کاشانی وارد مبارزات پارلمانی شده و نتیجه قهری چنین گزینشی، تنزل رهبری دینی - مردمی به مرحله یک نما بندگی مجلس بود... و ایشان زمیننه سقوط از موقعیت رهبری را فراموش ساختند... "وی عملاً از نظره رهبری، حرکت و تسلاوم نهضت را به وجود خویش وابسته ساختند و در زمیننه مدیریت از نیرو هوساکی موجود بهره گرفت. و این هردو آفتی است که ارتباط مستقیم با بقای یک نهضت دارد..."

"آیت الله کاشانی در پی "بی توجهی" به تربیت افرادی که در آن متعهد، مجبور شد از مدیریت بهره گیرد که نه تنها با مدیریت غربی آشنا بودند و از مدیریت دینی اطلاعی نداشتند..."

"یکی از منتهای سیاسی آیت الله کاشانی بیادان به جبهه ملی بود. جبهه ملی نیروی سیاسی بود که از احزاب مختلف تشکیل یافته بود و محوراً ملی آن ناسیونالیسم ملی گرائی بود..."

همه این نمونه ها که از نشریه حوزه به نقل آوردم، نشانگر آن است که خمینی و رژیمش در مورد سید ابوالقاسم کاشانی که آن همه در منقبتش داد سخن می دادند، سیاستی دیگر در پیش گرفته است. واقعیت آن است که نه آنچه نویسنده در باب ارزش های کاشانی می گوید صحت دارد و نه آنچه به عنوان ضعف ها و اشتباهات او برشمارد درست است. اندیشه بیداری و نیروی همبسته مردم ایران به رهبری پیشوا ی گرانقدرش، سی سال و اندکی پیش، جهه چندی در کاشانی و اعوان و انصارش را آفتابی کرد و نهضت ملی ایران را از انحراف در مان نگاهداشت. و گرنه شاید ما سی سال پیش در دام همین فاجعه ای که امروز گرفتار آنیم، در می افتادیم.

می برد که کاشانی قصد همین بهر برداری های مورد نظر او را داشت، ولی مصدق با پشتیبانی یکبارچه مردم، نقشه های پیش را خنثی کرد و یکی از خدمات پیشوای بزرگ ملت ایران نیز همین بود. نویسنده که وقیحا نه مصدق را پلی برای گذر به بستگی آمریکا می عنوان می کند، مقام ضروریست های فدا ثیمان اسلام و رهبران ها را به اوج پی رساند و بر "حقانیت اندیشه و روش" آن صاحب می گذارد. از آن جمله ترور "دکتر فاطمی" را نیز عملی انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد می کند. می نویسد: "فدا ثیمان اسلام، در وجود دکتر فاطمی آمریکا را می دیدند و در تحلیلی ها ایشان به این نتیجه رسیده بودند که آمریکا به وسیله دکتر فاطمی در پشت سردکتر مصدق موضع گرفته است... از این رودست به ترور وی زدنند..."

نویسنده نشریه حوزه، پس از بافتن ابا طیلی از این دست با زیبا ابوالقاسم کاشانی دست به بقیه می شود می نویسد: "آیت الله به مبارزات پارلمانی می برد که کاشانی قصد همین بهر برداری های مورد نظر او را داشت، ولی مصدق با پشتیبانی یکبارچه مردم، نقشه های پیش را خنثی کرد و یکی از خدمات پیشوای بزرگ ملت ایران نیز همین بود. نویسنده که وقیحا نه مصدق را پلی برای گذر به بستگی آمریکا می عنوان می کند، مقام ضروریست های فدا ثیمان اسلام و رهبران ها را به اوج پی رساند و بر "حقانیت اندیشه و روش" آن صاحب می گذارد. از آن جمله ترور "دکتر فاطمی" را نیز عملی انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد می کند. می نویسد: "فدا ثیمان اسلام، در وجود دکتر فاطمی آمریکا را می دیدند و در تحلیلی ها ایشان به این نتیجه رسیده بودند که آمریکا به وسیله دکتر فاطمی در پشت سردکتر مصدق موضع گرفته است... از این رودست به ترور وی زدنند..."

صدمن " سریشم " نیز چنین کاری میسر نیست! بدیهی است که نویسنده مقاله در جریان استدلالات مضحک خود، پای سید ابوالقاسم کاشانی را پیش می کشد. ولی نه برای آنکه به پیروی از تبلیغات گذشته رژیم، او را پیشوای نهضت ملی ایران، عنوان کند، بلکه با این قصد که بخشی از مبارزات شکست نهضت و کودتای ۲۸ مرداد را بر دوش او بگذارد. از جمله می نویسد:

"... آیت الله کاشانی در موقعیتی قرار داشت که اگر بهره برداری صحیح می کرد و قدرت خویش را با جبهه ملی تقسیم می نمود، نه تنها نفث را به راحتی ملی می کرد بلکه تشکیل حکومت اسلامی هم، چندان دور به نظر نمی رسید! لکن جریان آن زمان که یارهای از آن ها در طرز فکر آیت الله ریشه داشت و یارهای دیگر به عملکرد ایشان مربوط می شد، مانع از آن شده که بتوانند از زحمان نیروی بهره لازم را ببرند"

نویسنده مقاله، البته عا مدا " از یاد

رژیم ولایت فقیه در این سال های سیاه سطره خود، بارها ثابت کرده است که برای برپا نگا هدا شدن منبر قدرت از هیچ کاری رویگردان نیست. خودی و بیگانسه نمی شناسد و آنجا که لازم باشد خودی ها را نیز به لجن می کشد و سرشان را زیر آب می کند. حتی اشخاص یا گروه ها که بی بیه های منبر قدرت ولی فقیه را استوار کردند، از "مراحمه علیه" اوبی نصیب نماندند. به محض آنکه لیبی به اعتراض گشودند و یا گامی خلاف تمایلات قسدرت طلبانه او برداشتند، بی درنگ خنجر ولینعمت را در پشت خود دیدند و بیسرای همیشه از صحنه سیاست و قدرت حذف شدند.

با همه آشنایی با این "خصیمه" جوانمردانه هرگز قابل پیش بینی نبود که حضرت امام و دست پروردگان دستا ربندش، روزی هم روح سید ابوالقاسم کاشانی را احضار کنند و بوقول خودشان او را نیز زیر سوال ببرند! ولی چنین نیز شده است.

در باب ددا رید که تا چندی پیش کسی را جرئت آن نبود که حتی به نعلین مجاهدنستوه، حضرت آیت الله العظمی کاشانی، کفشک بگوید، همه " بوق های تبلیغاتی رژیم" و بر بهفت کرسی فلک می نشاندند و در مدح و منقبتش قصیده ها می سرودند. ولی حالا وضع به گونه دیگری است! تضادهای جناح های حاکم، کار بحث و جدل و مشاجره را به ممدوحان و مقتدایان، رژیم نیز کشانیده است.

نشریه حوزه، ویژه حوزه های علوم دینی، در شماره پانزدهم خود و در مقاله ای زیر عنوان " روحا نیست و روشنفکران در نهضت ملی نفت" تکه های از زیر جلی دربار سید کاشانی آورده است که نشان می دهد، حضرت امام، برای او نیز تصمیم دارد شمیرا از رو بپندد! نشریه حوزه در مقدمه، می نویسد:

"سایه ای که گذشته - خواستگاه و ناخواستگاه - بر آینه می افکند و در شعاع نفوذ خود حال را ترسیم می کند. تاریخ را موضوع روز می کند و انسان ها را بر آن می دارد که گذشته خویش را بشناسد و از "روا" و "تاروا" های آن پند آموزد..."

همه تلاش مذبحا نه نویسنده مقاله، در پس این مقدمه در آن است، که چهره جبهه ملی نخستین را به رهبری دکتر محمد مصدق مخدوش سازد و در برابر توکل به دروغ و دغل و مغسوط کلیت نهضت ملی ایران را در سال های ۲۰ و ۳۰ بیسه فدا ثیمان اسلام" بچسباند. که البته با

بدو گفت برخیز و بگشای دست نه هنگام خواب است و جای نشست که شاه جهان است مهمان تو بدین بی نوا خانه و مان تو ما هیا رنخت سخن وی را با ورنمی کند. ناگزیر در بان بیشتر توضیح می دهد: بیامد پرستنده هنگام روز که بیدار نبدهور (= خورشید) گیتی فروز یکی تازیانه به زر تافته به هر جای گوهر بر او افتد بیا و بخت از پیش درگاه ما بدان سو که با شد گذرگاه ما ظاهراً " رسم چنین بوده است که برای اعلام حضور شاه در جای، تازیانه او را بر در آن خانه می آویخته اند. ما هیا روقتی از حقیقت امر آگاهی می پاد سخت نگران می شود: که من دوش بیش شه نشانه مست چرا بوم و دحترم می پرست بیامد سوی حجره" آرزوی بدو گفت گای ماه آزاده خوی شه شاه بهرام بود آن که دوش بیامد سوی خان گوهر فروش... کنون خیزود بیای جینی بیوش بنه بر سرافسر جان هم که دوش نثار کن از گوهر شاه هوار سها قوت سرخ زدر (= تاپسته) شهریار... مین مرورا، بنم در بیوش دار ورا چون روان وتن خویش دار جویر سرت، با و سخن نرم گوی سخن های با شرم و آزر م گوی من اکنون نیایم، اگر خواگام به جای پرستنده بنشاند کم بسان هالان نشتم به خون که اندر تنم خرد باد استخوان

\*\*\*

ما هیا را ز این که ادب نگاه نداشت و شتون پادشاهی را در برابر بهرام رعایت نکردند بود سخت ناراحت بود. بهرام از خواب برخاست و سروتن بشت و بیسزدان را نیایش کرد. آرزویه آیین و با احترام تمام نزد بهرام آمد و دوتا گشت و بر زمین بوسه داد. اما بهرام با شادی و مهربانی بدو بر خورد و گفت همان چاه و جنگ دیشب ما را بس است. سپس سراغ پدر زن خویش ما هیا را گرفت. آرزو پدر را بخواند:

خواستن بهرام دخت ماهیار گوهر فروش را

نه فرخ بود مست زن خواستن و گرنیز کاری نو آراستن اما بهرام اصرار می ورزد و به ما هیا رمی گوید فال بد زدن نیکو نیست: پسدمن است امشب این جنگ زن تو این فال بد تا توانی مزن ما هیا ر، ناگزیر با ردیگر روی به دختر می آورد و رضای او را جویا می شود: چنین گفت با دخترش آرزوی پسندیدی او را به گفتار خوئی؟ بدو گفت: آری، پسندیده ام به جان و به دل هست چون دیده ام بکن کار، زان پس به زدن سیر که گردون بجنگ است با ما هیا ر بدو گفت کا کنون توجهت ویسی چنان دان که اندر نهفت ویسی بدو داد و بهرام گوش بخواست جوشب روز شدکا را و گشت راست ما هیا ر که از این عیش و عشرت و گفتگوی شبانه خسته شده بود، پیش از خواب به دقت و با دکردن جزئیات دستور پذیرایی از گشسب سوار را به " پرستنده" می دهد و میگوید که بی را زبی گوسفند بفرستد: نباید که آرنده خون بی بره بره نیز برورده باید سره جو بیدار گردد فقاغ و بیخ آری همی باش پیش گشسب سوار یکی جام کافور بریا گلاب چنان کن که سوا بود جای خواب ما هیا ر پس از دادن این دستور ها به خواب می رود. از سوی دیگر در بر آمدن آفتاب خدمتگا بهرام تازیانه او را بر در خانه ما هیا رمی آویزد تا سها هیا ن بداند بهرام کجاست و روی به سوی او آرنده. کم کم سها هیا ن فرامی رسند و یکدیگر را آگاه می کنند و لشکری گران بر در خانه ما هیا ر گرد می آید. در بان چون این وضع را مشاهده کرد: بیامد برخفته بر سان گرد سریر را ز خواب بیدار کرد

بهرام و آرزو

که دختر به من ده به آیین و دین جو خواهی که یابی به داد آفرین پدر دختر، نخست روی به دختر می کند و از او می پرسد آیا این سوار را می پسندی؟ از او وجه مقدار رتار می خواهی: نگه کن بدو، تا پسند آیدت بر آسودگی سودم سنند آیندت؟ آرزو نیز که در عین دلیری از بهرام مشیفته او شده بسود پیشنها دیدر را از خدا خواست: چنین گفت با ما هیا ر آرزوی که ای باب آزاده و نیک خوی مرا گر همی داد خواهی به کس؟ کمال (= همسر) گشسب سوار است و بس تو گویی به بهرام ماند همی جوجان است با او نشستن دمی بدین ترتیب پسرو دختر هر دو خوا ستا یکدیگر شده بودند. اما پدر بیشتر نا امید می کندهی آن که بیدار نشد این شاهنشاه ایران است که دختر او را خواستگاری می کند: به گفتار دختر بنسند نکرده به بهرام گفت: ای سوار نبرد به زرفی نگه کن سرا پای او همان دانش و کوشش و رای او نگه کن بدو تا پسند تو هست از آگهی بهتر است از نشست بدین نیکویی نیز در رویش نیست به گفتن مرا رای کم بیش نیست اگر بشمیری گوهر ما هیا ر فزون آید از بدهر شهریار با این حال می گوید اگر خوا ستا را و شدی امشب را می بنوش و به آرا می بخواب، چدن خواستن درستی پسندیده نیست.

به مستی بزرگان بنسندند بویزه کسی کو بودا رجمند بمان تا بر آرد سپهر آفتاب سرنا مداران بر آید خواب بیاریم بیرون داننده را شکیبادل و چیز خواننده را سب تیره از رسم بیرون بود نه آیین شاه آفریسدون بود

## سیاست حمایت از فساد

از زمانی که ماهیت رژیم جمهوری اسلامی کم و بیش شناخته شد، صحبت از فساد مسئولان آن نیز زیاد می‌آمد. همه مردم به تدریج فهمیدند و دانستند که عناصر تشکیل دهنده دولت اسلامی تقریباً به اتفاق در فساد دست دارند. این اصلی است که در آن بخشی نیست، بحث بلکه بر شیوع فساد در سطوح گوناگون دستگاه دولتی است. چند روز زندگی در ایران امروز کاغذ نیست تا هر آدم حتی غیرکنجکا و نیز جلوه‌ای از رگ وریشه‌های برهنه‌شده فساد را ببیند. بسیاری کارهای روزانه در آغاز بهمانی برخورد می‌کنند و سپس احتمالاً از راه غیرقانونی یا غیراخلاقی به نتیجه می‌رسد. موانع غالباً قانونی اند ولی راه حل‌ها غیرقانونی. این اصل حاکم برجای امروز ایران است. برای تشریح بیشتر این اصل باید قبلاً از هر چیز به استنباط رژیم جمهوری اسلامی از مفهوم قانون توجه کنیم.

در چند سال گذشته رفتار مسئولان جمهوری اسلامی (از سخنان خمینی گرفته تا تصمیم گیری‌های دادگاه انقلاب) بخوبی نشان می‌دهد که ذهن تربیت شده در حوزه علمیه اصولاً نمی‌تواند برداشتی عقل‌گرا، انسانی و متناسب با دنیای کنونی، از قانون داشته باشد. درک مسئولان دولتی اسلامی از قانون هنوز در سطح قبلی‌های وعشیره‌ای و در نتیجه گنگ، نامشخص و غیردقیق است. مفهوم مترقی قانون که در جوامع پیچیده امروزی به عنوان اصول خدشه‌ناپذیر و لازم‌الاجرا مطرح است در محدوده فکری آخوند نمی‌گنجد. در نظر امثال موسوی اردبیلی کاملاً طبیعی و موجه است که برای فلان قوم و خویش ضوابط قانونی را نادیده گرفت. چرا که آشنایی قومی و اطمینان فردی می‌تواند حتی پیش از قوانین مکتوب و دست‌نویس وقوع امری را تضمین کنند. به پیوسته نیست که گروه‌های قدرت در ایران امروز نه بر نهادهای حزبی و صنفی که بر روابط خویشاوندی متکی اند، پس باید به این نکته توجه کرد که هرچند مروج و بی‌قانونی کنونی فقط به دلیل بی‌لیاقتی یا فساد پس از انقلاب، انجمن‌های اسلامی مانند قارج از زمین روئیدند. این انجمن‌ها عضو بسیار رندارند، ولی به وسیله مطبوعات و رادیو-تلویزیون رژیم آوازه‌ای یافته‌اند. جهت گیری این انجمن‌ها مطابق جهت گیری‌های است که جناح‌های گوناگون و مخالف یکدیگر در برابر مسائل مختلف نشان می‌دهند. مثلاً در مبارزه انتخاباتی میان دوره‌ای تهران برخی انجمن‌ها جانب‌ناظر نوری را گرفتند و برخی دیگر به سود اداری از رقیب او احمدی برخاستند. انجمن‌های مخالف دارای اهمیت نیستند، ولی در پیچ‌های هستند که از آن می‌توان صحنه نبرد قدرت را در رژیم اسلامی تماشا کرد. وقتی یک انجمن اسلامی به یک وزیر یا یک سفیر حمله می‌کند و این حمله در مطبوعات منعکس می‌گردد، می‌توان دریافت که کدام جناح شمشیر را علیه جناح دیگر تیز کرده است. مبارزه قدرت به وسیله انجمن‌های اسلامی البته شکل مبارزه نیست. اشکال دیگر و خشونت آمیزترین وجود دارد. با زداشت اعضای بلند پایه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، و اکنون با زداشت نزدیکان آیت‌الله منتظری نمونه‌هایی از این پیکارهای خشونت‌بارترند. بسیاری ترورها هم که در رژیم صورت می‌گیرد، این مبارزه قدرت نوشت.

حما بیت جمهوری اسلامی از شیوع فساد بی‌بهره نیست. هفت سال بی‌لیاقتی و ویرانی جنگ کار را بجای رسانیده که اغلب شبکه‌ها و بایات تولید و توزیع از هم پاشیده است، اغلب مدارهای میسالدات اقتصادی و فرهنگی از کار افتاده‌اند. مردم در زیر فشار احتیاج و فقر به هر راهی متوسل می‌شوند تا ما احتیاج زندگی را فراهم کنند و در این میان قاچاق، احتکار، گرانفروشی، دزدی، ارتشاء، تقلب، و... راه‌های است که سوسوسه افتادن در آن‌ها منکر مردم شده است. وجود سازمان‌ها و گروه‌های متعدد از قبیل مبارزه با منکرات، مبارزه با فحشاء، مبارزه با مواد مخدر خودنما یا نگار اصل ماجراست. آنچه که بیش از همه گویای راز نهان است نظر عمومی مردم درباره این گروه‌ها است. افکار عمومی در ایران بر این عقیده است که اعضا گشت‌های "یا زهر" یا "تارال" همان آلوده‌دانه‌های سابقند که اکنون توبه کرده یا کدمن شده‌اند. صحت و سقم این ادعاها مورد بحث نیست، بلکه مسأله این است که مردم ایران در حال حاضر همین گروه‌های مبارزه را عاملان ترویج فساد و هزرتگی و دروغ می‌دانند و باید اذعان کرد که در چنین مواردی نظر عامه معمولاً به راه خطای نمی‌رود.

آنچه ما امروز از فعالیت‌های غیرقانونی و غیراخلاقی مرسوم در ایران می‌بینیم و می‌شنویم تنها علائم سطحی سرطانی است که همه یا خسته‌های اجتماع را مبتلا کرده است. واقعیت دردناک اینست که در ایران همه روابط انسانی تحت تأثیر فساد متبعث از رژیم قرار گرفته‌اند. زندگی مردم نمی‌تواند در مسیر قانونی و اخلاقی قرار گیرد. هر نوع پیشرفت و تلاشی برای زندگی بهتر از مسأله از راه‌های غیراخلاقی حاصل می‌شوند. این اصلی است که دولت جمهوری اسلامی از هر قانونی به جا می‌آید ایران تحمیل کرده است. به تازگی می‌شنویم که دولت کلمبیا که یکی از فقیرترین کشورهای آمریکای لاتین است عملاً دست زارغان گیاه کوکا را بازگذاشته تا آن‌ها در بازار مشغول باشند و این بدلیل درآمد هنگفتی است که این گیاه پرمصرف نصیب دولت می‌کند. در واقع اگر حکومت بوگوتا جلوه گشت کوکا را بگیرد نه تنها خود از درآمد سرشاری محروم می‌شود بلکه هزاران کشاورز فقیر و دردمانده را نیز از کار رنج می‌کند. هدف ما دفاع از سیاست بی‌آخرواقت است.

دولت کلمبیا نیست. می‌خواهیم بحث را به نتایج عمیق تر و نه چندان عیان فساد بکشانیم. دولت کلمبیا اگر در چنین سره بی رحم اقتصادی اسیر گشته، حداقل اندیشه منافع و اقتصاد ملی را ره نکرده و در تلاش است تا با انتقال درآمد گیاه کوکا به سایر بخش‌های کشاورزی و صنایع معدن کشور را از بحران اقتصادی برهانند. در ایران اما چنین نیست. فساد در ایران تنها راهی برای جلوگیری از سقوط قدرت سیاسی و وجهه اصلی آن بی‌توجهی به منافع و مصالح ملی است. شیوه عمل و تفکری که از این نوع فساد در پیش می‌گیرد الزاماً منفی کننده هرگونه آگاهی اجتماعی است. دزدی، احتکار یا قاچاق قبل از هر چیز نشانه بی‌اعتنا بودن به جامعه است. بی‌گسری و احداث. پدیده فساد به مفهوم دقیق کلمه "فدا جتماعی" و موجود با رگی و تفرقه و گسیختگی در هر حرکت جمعی و مشترک است و اینک مسئولان جمهوری اسلامی با حس کردن این واقعیت اجتماعی بیش از هر زمان دیگر به رواج فساد به عنوان یک عنصر دفاعی تکیه کرده‌اند.

با پرسش‌های کرد: اگر رژیم جمهوری اسلامی در صد تغییر سیاست حمایت از فساد برآید چه خواهد شد؟ اگر مسئولان جمهوری اسلامی با روش‌های خشونت آمیز خود واقعاً در صد مبارزه با فساد برآیند چه بر سر مردم و چه بر سر رژیم خواهد آمد؟ تجربه هفت ساله ثابت کرد که جمهوری اسلامی از ساختن اقتصاد سالم عاجز است، اکنون اگر این اقتصاد دزدی و فساد را نیز متلاشی کند چه خواهد ماند؟ آیا روزی نخواهد رسید که مردم از همین نان بخور و نمیرم محروم شوند؟ انسانی که نتواند زراعت را فستند نه زندگی بگذراند، می‌دزدد و آنگاه که از دزدی بازماند نظماً می‌کند. این درس کهنه ما همیشه معتبری است که یک قرن قبل ویکتور هوگو زربان "بینوایان" به جا می‌گذارد: "فرانسه داد. گویا حکام ایران نیز این درس را خوب فرا گرفته‌اند و می‌دانند که هر گاه برآستی علیه فساد اقدام کنند، زندگی مردم را دشوارتر از این که هست خواهند کرد. آنان از بدبختی مردم و همه‌ای ندارند، از طغیان بینوایان و همه دارند.

فریدکیان زاد



## انجمن‌های اسلامی

یکی از انجمن‌های اسلامی که گهگاه نامش را بر سر زبان‌ها می‌اندازد، انجمن اسلامی دانشگاه تهران است. آخرین ابراهیم وجود آن انتشار نامه‌ای بود که به اعتراض به علی اکبر ولایتی وزیر خارج، و به سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بغداد نوشته شده است. انجمن اسلامی دانشگاه تهران از وزیر خارج اسلامی سؤال می‌کند که آیا درست است که وزارت امور خارجه اسلامی از بابست تظاهراتی که "امت حزب الله همیشه در صحنه" در برابر سفارت آلمان در تهران برپا شده است، از این دولت عذرخواهی می‌کند؟ و آیا راست است که سفیر جمهوری اسلامی درین، که به سرای ادای توضیحات به وزارت خارجه آلمان در حال خوانده شده بود، از حادثه نامبرده ابراز تائید سف کرده است؟ وقتی که حتی چند زار و باش دروینجره سفارتخانه‌ای را بشکنند و بخوانند به زور وارد ساختمان سفارتخانه‌ای گردند، طبیعی است که دولت مربوط رسماً عذرخواهی کند. ولی نباید فراموش کرد آنچه درجای دیگر طبیعی می‌شاید، در جمهوری اسلامی به هیچ وجه طبیعی

نیست. رژیمی که به اراذل و اوباش خود اجازه داد تا زدیوار سفارتخانه‌ای بالا برونند و دیپلمات‌های آن را گروه‌گن بگیرند، چه عذری دارد که از بابست شستن سنگ پرانندن و عربده کشیدن بخواند؟ براستی باید حق را به انجمن اسلامی دانشگاه تهران داد، عذرخواهی به رسم متداول دیپلماتیک، و وزیر خارج جمهوری اسلامی را نمی‌بازد. ولی در پشت اعتراض انجمن اسلامی به وزارت خارجه چیز مهمتری نهفته است. در رژیم تهران چنین اعتراض‌هایی فقط سرآغاز حمله برای راندن حریف از میدان است. مبارزه با بنی صدر و طرفداران او مبارزه با قطب زاده نیز چنین آغاز شد. بیایان این مبارزه را همه می‌دانیم. یکی به دیار نیستی فرستاده شده و دیگری به گمنامی تبعید. فراموش نکنیم که ولایتی، پس از کشته شدن محمدجواد باهنر در ساختمان نخست وزیری، کا اندیدی دلخواه هاشمی رفسنجانی برای مقام نخست وزیری جمهوری اسلامی بود. مجلس اسلامی به وی ابراز تمایل نکرد. رفسنجانی با پس کشید و گفت اشتباه

این معرفی از او بوده است. ولی باز این قدر نفوذ داشت که ولایتی، مهره خود را در مقام وزارت خارجه جاد دهد. از آن پس رفسنجانی سیاست خارجی را - یا دست کم بخشی از آن را - به وسیله علی اکبر ولایتی کنترل می‌کند. ولایتی رقیبان او، از جمله سید علی خامنه‌ای، این را خوش ندارند. اگر تا کنون آنان ولایتی را در مقام وزارت خارجه تحمل می‌کردند، اکنون که مبارزه قدرت نزدیک به مرحله نهایی است، آن تحمل نیز به یان می‌رسد. ولایتی، با همه تظاہری که به حزب اللهی بودن و تند رفتن می‌کرد، همواره در برابر چپ‌گرایی‌های رژیم مقاومت می‌کرد. در تهران شایع است و مناسبت سازمان ملل نیز این را تا بید می‌کنند که دولت‌های بلوک شرق، در حسین شیخ الاسلام معاون او به دیده مساعدت سری می‌نگرند. شیخ الاسلام دشمن خونگی ولایتی است. او به چند انجمن اسلامی، از جمله انجمن اسلامی دانشگاه، بسیار نزدیک است، حال آنکه ولایتی در این انجمن‌ها تقریباً هیچ نفوذی ندارد. وزارت خارجه رژیم فقط یکی از صحنه‌های مبارزه قدرت است. مبارزه قدرت در صحنه‌های دیگر نیز بسیار کمتر یا بیشتر جریان دارد.







بقیه از صفحه ۵

معاملات فضاحت بار

مخالف بود اما مشاوران کاخ سفید می گویند که هرگز به صراحت به رئیس جمهور گفته نشده بود که شورای امنیت ملی با چه آتشی بازی می کند.

اما دولت ریگان، در ایران با طرفه های مشکوک در پی هدفی ناشناخته ترس و کوار پیدا کرد. هیچ دلیلی در دست نبود که نشان دهد آیت الله روح الله خمینی با دریا فانت کمک های آمریکا موافقت کرده است.

برای بازپس گرفتن گروگان ها از لبنان سبل جنگ افزای آمریکا به سوی تهران سرا زبند، اما در اینجا رونالد ریگان بدترین رسم دولت کارتر را بکار گرفت. وی به روشه دادن به گروگان گیران صحنه گذاشت و جان تنسی چندرا برمنافع جها نی آمریکا ترجیح داد.

ملت های بزرگ نمی توانند تاوان احساساتی شدن های آبکی را بدهند. اگر تصور شود که با گرفتن چندتن آمریکا می توان آمریکا را به زانو نودر آورد آن وقت آزاد و سعادت همه افراد ملت به خطر می افتد.

هرالد تریبون - ۱۱ نوامبر ۸۶

بندبازی اسرائیل

خبرگزاری فرانسه در گزارشی راجع به مناسبات اسرائیل و جمهوری اسلامی می نویسد: تحویل سلاح های آمریکا از طریق اسرائیل به رژیم جمهوری اسلامی ایران، ناگهان برده از بندبازی سیاسی اسرائیل برداشته که از یکسو سعی در حفظ حداقل روابط با جمهوری اسلامی دارد و از سوی دیگر به مقابله با شیعه نظامیان شیعه در جنوب لبنان می پردازد.

عراق، دشمن قدیمی اسرائیل درگیر جنگی با ایران ناپذیر شد و از منته مناقشات اسرائیل و عرب برای سال هسا دور گشت.

اما رسیدن انقلاب اسلامی به جنوب لبنان از سال ۱۳۶۱، و در چند هفته اخیر، ائتلاف بین فلسطینی ها و حزب الله در جنوب لبنان، اسرائیل را دچار رنگرانی ساخته است. در این میان، اسرائیل چینی حساب می کند که پیروزی عراق در جنگ ارتش عراق را از قید جنگ با جمهوری اسلامی آزادی می کند و بدین ترتیب ارتش عراق که قوی ترین ارتش منطقه است، می تواند در مقابل اسرائیل قرار گیرد.

خبرگزاری فرانسه در بیان می نویسد: بدین ترتیب مسئولان دولت اسرائیل سیاستی بندها زانو انداخته با حزم و احتیاط در پیش گرفته اند تا ببینند در آینده چه خواهد شد.

بقیه از صفحه ۳

شگردهای سیاسی

با تروریست ها راز زدند، ولی در کردار نه تنها با تروریست ها مذاکره کرده، بلکه معامله هایی نیز انجام داده اند. ایتالیا، آلمان و ژاپن و سوئیس و ترکیه که جای خود را دارند. اما اینان دست کم از این امتیاز برخوردارند که لاف مبارزه آشتی ناپذیر با تروریسم نزده بودند.

حکومت ها کوتاه آمدن در برابر تروریسم را هرگز به عنوان نمره های منفی در کارنامه اعمال خود نمی گذارند، باج دادن به تروریسم را به سکوت برگذار می کنند، مگر اینکه رسا نه ای به سببی پرده از ما جبرا بردارند. اما در این معامله هنگامی که از تروریست ها امتیازی، هرچند کوچک، می گیرند، تا سرحد ما سپردن پیشت می روند.

آقای ژان برنار رومون وزیر خارجه فرانسه چند هفته پیش گفته بود که یک شرط پرداخت مطالبات جمهوری اسلامی این است که همه گروگان های فرانسوی در لبنان آزاد شوند. اما وقتی فقط دو گروگان فرانسوی آزاد شدند، برخی مقام های این کشور چنان سرگردان شدند که گفتی وزیر خارجه اصلا چنان شرطی قائل نشده بود. حتی از سوره تشکر نیز کردند. این واقعا "دردناک است. هنوز مرکب رای دادگاه انگلیس درباره دست داشتن سوریه در کارهای تروریستی خشک نشده است، هنوز آنچنان صدای مقام های آمریکا می فریاد می زند و انگلیسی از بین نرفته است که اعلام داشتند لیبی، جمهوری اسلامی و سوریه ملئت تروریسم بین الملل را تشکیل می دهند.

تهدید کردند که اگر دمشق و تهران از حمایت تروریسم بین الملل دست برندارند، به همان سرنوشتی گرفتار خواهند آمد که طرابلس و بیروت گرفتار آمده بودند، اما بجای شکست با بمب افکن ها ناگهان سروکله یک فرستاده ویژه دولت ایالات متحده در تهران پیدا می شود.

آیا دمشق و تهران به راستی از حمایت تروریست ها دست برداشته اند؟ هیچ نشانه ای وجود ندارد که چنین امری را تایید کند. به عکس، شواهد و قرائن نشان می دهد که آن دور رژیم، این وسیله آسان گروکشی در مناسبات بین المللی را آسان از کف نخواهند داد. وسیله آن قدر آسان است که نه تنها آن دولت ها از آن دست برنخواهند داشت، بلکه دولت های دیگری نیز برای دست یازیدن بسدان تشویق خواهند شد.

مگر ربودن یک یا چند شخص بی حفاظ و بی سلاح در آشفته بازاری بیروت چه مشکلی دارد؟ تروریست ها هر وقت که لازم باشد با زهم گروگان خواهند گرفت و هر وقت که مصلحت ببینند، یک یا چندتن از اسیران خود را آزاد خواهند ساخت. از روی تصادف نبود که دمشق، درست هنگامی برای آزادی دو گروگان فرانسوی یا به میان گذاشت که جاکمه اقتصاد اروپا می خواست به درخواست انگلیس اقدام می

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین (نام خانوادگی):

Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse:

ما بایم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... تحویل رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ: امضا:

شماره حساب پستی:

QYAM, IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compté No: 11624700200

توجه لازم

تصنفا دارد تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نام ها که به کسب آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

علیه آن بعمل آورد. دو گروگان فرانسوی آزاد شدند، و در عوض جاکمه اقتصاد اروپا به حدود یک قطعه نامه آبکی بسنده کرد.

این برای مبارزه با تروریسم نمونه خوبی نبود. تروریست ها، اگر از کردار کنونی غرب درسی آموخته باشند، همانا دست یازی به تروریسم بیشتر است، مگر در پرده با زیبایی پنهان باشند که هنوز ما از آن خبر نداریم.

تصحیح و پوزش

در مقاله "در دشنا سنامه ایران" صفحه اول، ستون دوم شماره ۵۱ قیام ایران، عبارت "سلوک وزندگی" به اشتباه سکوت وزندگی و در کنار آن معلوم - در کنار این معلول چاپ شده است. ضمن پوزش از خوانندگان گرامی خواهشمندیم این اغلاط چاپی را اصلاح فرمایند.



نشانی پستی شاخه های

نهیضت مقاومت ملی ایران

در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R. Postfach 121007 6000 MUNCHEN 12 W. Germany آلمان فدرال

N.A.M.I.R. Postfach 523 1171 WIEN AUSTRIA اتریش

PO BOX 57278 WASHINGTON, D.C. 20037 U.S.A آمریکا

N.A.M.I.R. PO BOX 313 LONDON W 2-4 QX ENGLAND انگلستان

PO BOX 130 H600 TULLINGE SWEDEN سوئد

TDS - MO 85 117/118 MAKER CHAMBER (V) NARIMAN POINT BOMBAY 400021 INDIA هند

NEHZAT P.B. 246 J230 AE BRIELLE HOLLAND هلند

A CH APARTADO CORREOS 50432 MADRID SPAEN اسپانیا

NAMIR P.B. 1602 STN. B. WILLODALE ONT M2K, 2T6 CANADA کانادا

A.R. CÀSELLA POSTALE 601 00187 ROMA ITALIA ایتالیا

DR. H. SIASI # B CINZANO, COURT GAEFERSBURG, U.S.A. 2087B (U.S.A.) وا شنگتن

M.R.N.I. Postfach 100303 5000 KÖLN 1 واحد شهرکلن

گروه کیسه گونی

بر اساس یک گزارش از نجف آباد صفاها، اختلاف میان طرفداران اما جمعه و حجت الاسلام فلاحتی دادا در آسرای این شهر چنان بالا گرفته که در ماه گذشته به انفجار یک بمب در آسرای نجف آباد منجر شد. مخالفان حجت الاسلام فلاحتی در بیگانی دادسرای این شهر مجاور محل کار وی، بمبی کار گذاشتند که بیرونده های موجود را به آتش کشید و خود فلاحتی را مجروح ساخت.

در نجف آباد، نام گروهی که مخالفان را می دزدند، جاکمه می کنند و به قتل می رسانند بعنوان حزب "کیسه گونی" بر سر زبانه است. شیوه کار این گروه اینست که فرد مخالف و مزاحم را نشان می کنند شیانه وی را در کیسه می کنند و به بیابان های اطراف می برند و جاکمه می کنند. این گزارش می گوید: بسیاری از افراد جاکمه شده توسط این گروه از طریق حلق آویز شدن در چاه های اطراف نجف آباد به قتل رسیده اند. بیرونده های مربوط به این قتل ها که ناشی از رقابت های میان هواداران اما جمعه با دیگر مقامات شهر بوده است در آسرای نجف آباد جمع آوری شده و مورد بررسی قرار گرفته بود، اما همین گروه موفق شد با انفجار بمب و ایجاد آتش سوزی در مخزن بیرونده های دادسرای نجف آباد، کلیه مدارک مربوط به جنایات خود را منهدم کند.

بقیه از صفحه ۱

به برکت رقابت‌ها بی‌کمی سیاست‌های خارجی در روابط با جمهوری اسلامی وجود دارد، اکنون ما ایرانی‌ها نیز راجع به تماس‌های پنهانی رژیم آیت‌الله با آمریکا و فرانسه، یعنی شیطان بزرگ و شیطان کوچک، و همچنین تلاشی که این رژیم برای جلب اطمینان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و کناره‌ها و آنگاه آنگاه زکده است، چیزهایی می‌دانیم. بنا بر این وقتی می‌بینیم تشکیلات نظامی و سیاسی آیت‌الله منتظری ناگهان مورد حمله قرار می‌گیرد و یا پس از آیت‌الله کاشانی را که نماینده مجلس اسلامی است با گروهی نظامی و غیرنظامی بازداشت می‌کنند، لاف‌ها می‌توانیم بزنیم قضا یا از چه قرار است. هر وقت دولتی در تنگنای مشکلات توان نرسد داخلی قرار گرفت و مجبور شد برای رهایی از تنگنا در سیاست خارجی خود تجدید نظر کند، الزاماً باید آنچه را می‌خواهد از میان بردارد.

مرحوم قوام السلطنه وقتی برای مذاکره دربار مسائلی ایران و شوروی، بخصوص بحران آذربایجان به مسکو سفر کرد متوجه شد برای کناره‌ها و آنگاه آنگاه زکده است. آن‌ها نشان بدهد شخص مقتدر در ایران اوست. چرا که روس‌ها می‌گفتند در ایران قدرت متمرکز وجود ندارد و حتی اگر دولت مایل به جلب همکاری شوروی باشد و قرار و مدارهایی در زمین بگذارد، مراکز دیگر قدرت که تحت نفوذ غربی‌ها قرار دارند مانع خواهند شد. قوام السلطنه در با زنگشت از مسکو، سیدضیاءالدین و گروهی از رجال سیاسی آن دوره مانند علی دشتی و جمال‌آما می‌را که به طرفداری از سیاست‌های غربی شهرت داشتند با زداشت و زندانی کردن اقتدار خود را به روس‌ها نشان دادند و بگوید اگر هم ما نمی‌توانیم در راه نزدیکی تهران و مسکو وجود داشته باشد من می‌توانم آن را از میان بردارم.

جمهوری اسلامی برای چرخش به طرف غرب

به علاوه بولتن "مدای ایران"، به زبان آلمانی و مباحثی دکترا پوربختیا ربا خبرنگار روزنامه دی ولت و همچنین نام‌های سرگشاده دکتر بختیا ربه دبیرکل سازمان ملل متحد پیش شد.

در ارتباط با مسائل زنان ایران، روز شنبه ۹ اکتبر در جلسه‌ای که از سوی گروهی از زنان آلمانی ترتیب داده شده بود، عده‌ای از انجمن‌های اعضا و هواداران نهضت شرکت کردند و دربار موضوعیت و شرایط زنان ایران به بحث و گفتگو پرداختند و به سئوال‌ها و آنی که به مسائل زنان در ایران مربوط بود پاسخ دادند.

برگزاری جشن مهرگان در روز یکشنبه ۱۹ اکتبر.

گزارش نهضت از سوئد

طبق گزارش واحد شهری نهضت مقاومت ملی ایران در شهر گوتنبورگ، واقع در سوئد به کوشش تعدادی از اعضا و علاقمندان و با موافقت مقامات شهر، یک برنامه‌ای

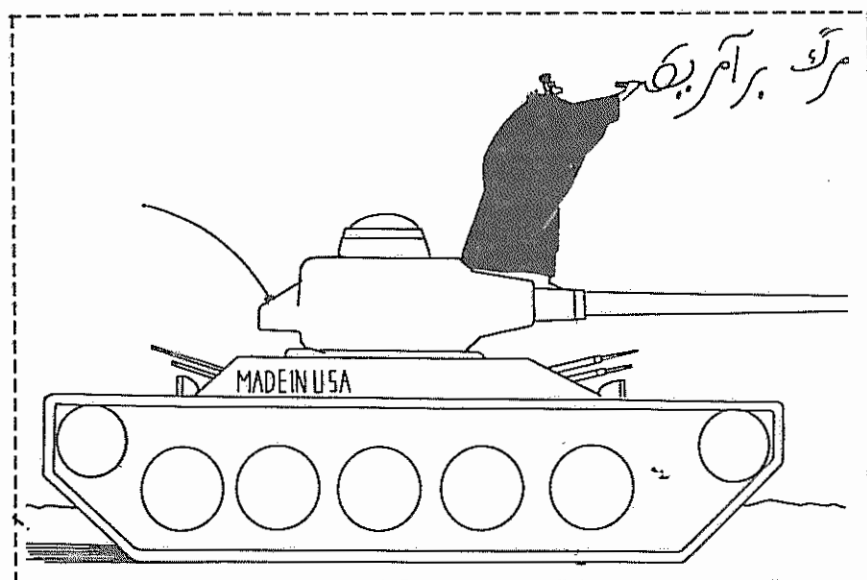
گزارش واحد شهری مونیخ

گزارش فعالیت‌های واحد شهری نهضت مقاومت ملی ایران در مونیخ، در ماه سپتامبر و اکتبر ۸۶، به شرح زیر انتشار یافت:

در پی سیاست کنترل هر چه بیشتر دولت آلمان نسبت به ورود پناهنده‌ها و به منظور پشتیبانی از پناهنده‌ها در مونیخ و احداث نهضت مقاومت ملی ایران در مونیخ در روز شنبه ۲۷ سپتامبر اقدام به بخش اعلامیه‌ها بی‌در سطح شهر مونیخ کرد. در این اعلامیه، ضمن برشمردن جنایات رژیم‌ها بر ایران، دلایل فساد و پناهنده‌ها ایرانیان به آلمان تصریح گردیده است.

به مناسبت هفتمین سال جنگ ایران و عراق، و اعزام کودکان و جوانان ایرانی به جبهه‌های جنگ و همچنین به علت وضع وقت با زنان ایران، واحد شهری نهضت در مونیخ در تاریخ شنبه ۱۸ اکتبر در میدان اصلی شهر، دربار می‌شکلات ایرانیان و دلائل پناهنده‌ها آنان به خارج از کشور اعلامیه‌ها بی‌در میان آلمانی پخش کرد. در این روز، اعضا و هواداران نهضت در شهر مونیخ با توجیه نظرات سیاسی نهضت و رهبران دکترا پوربختیا، دربار می‌شکلات رژیم‌ها با مراجع آلمانی صحبت کردند.

# انگار که ورنجستیم!



و بخصوص ساخت و ساخت با آمریکا و فرانسه، ناگزیر بود قبل از هر چیزی انبیا کنند که در ایران مرکز قدرتی وجود دارد و خارجی‌ها می‌توانند به این مرکز قدرت اعتماد کنند.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی برای نزدیک شدن به آمریکا تلاش می‌کند. قبلاً، چندین بار از سوی جناحی که فعلاً "انکار عمل را در دست گرفته و تسلطی پیدا کرده است چه از طریق پیام‌های خصوصی و چه از طریق آلمان و ژاپن، پیشنهاد آشتی و همکاری به واشنگتن داده شده بود ولی در هر نوبت، به محض آنکه می‌رفت تماس‌ها بجای می‌برد گروه‌های دیگری که به سیاست‌های دیگری می‌رقتند با ساز، کاسه و کوزه را بهم می‌ریختند. همین سبب شده است که این مرتبه رژیم آیت‌الله، در حالی که دست راست خود را برای فشردن دست آمریکا و فرانسه پیش می‌برد با دست چپ گلسوی گروه‌ها می‌را که احتمال دارد بخوانند

با زهم مانعی در راه برقراری روابط ایجاد کنند، می‌فشارد.

رژیم آیت‌الله در مقابل بحران تهدید کننده قرار گرفته است که تشخیص می‌دهد اگر دستش هر چه زودتر به یول و سلحه نرسد، امید ناچاری برای وجود نخواهد داشت. پول نقد قابل وصول برای آیت‌الله مطالبات ایران از فرانسه و آمریکا است و سلحه‌ها راساً، سلاح‌های ساخت این دو کشور. بنا بر این، کناره‌ها با آمریکا و فرانسه این بار به صورت یک ضرورت حیاتی برای آیت‌الله و رژیم و مطرح است و در این راه، هر چه و هر که را که لازم باشد فدا می‌کنند.

گروه منتظری، مانعی در طریق نزدیکی با آمریکا بشمار نمی‌آید. صرف نظر از اینکه شخص منتظری به اندازه خمینی و رفسنجانی "ماکیا ولیست" بنظر نمی‌رسد تا بتواند به آسانی از دنده چپ بگذرد، عنا صر مسلح و متعصبی که تحت حمایت او به نام هواداری از جنبش‌های رهایی بخش

فعالیت داشتند، گروه‌های چریکی را در نقاط مختلف جهان بر ضد آمریکا از نظر تسلیحات و پول تغذیه می‌کردند. این گروه در بسیاری از عملیات تروریستی و بلواها و تخریب‌ها، به ویژه در کشورهای اسلامی به چشم می‌رسد. آن‌ها چنان قدرتی پیدا کرده بودند که خود را مقید به رعایت سیاست‌ها می‌دانستند و برای خودشان کوس لمن الملکی می‌زدند.

در هم‌کوبیدن این گروه و گرفتن وزندانی کردن سرکردگان مننقدش، هدیه ایست از طرف رژیم آیت‌الله به آمریکا و علامتی به کشورهای معتدل عربی مبنی بر این که رژیم قصد دارد پیرونده "مدور انقلاب" را ببیند و کناره‌ها را بردارد.

با زداشت سید احمد کاشانی و تعدادی از رفقا و همفکران او نیز هدیه ایست به فرانسه. چون این دارو دسته از مدت پیش در مجلس شورای اسلامی و محافل دیگر شدیداً علیه توافق‌های محرمانه بین جمهوری اسلامی و دولت فرانسه موضع‌گیری کرده بودند و سید احمد کاشانی، چندی قبل ضمن نطقی در مجلس اظهار داشت دولت، بدون سروصدا، مشغول مصالحه‌ها با فرانسه است که ما نند مصالحه با آمریکا می‌باشد در جریان عقد قرارداد اجزا بر حقوق ملت ایران را بر باد می‌دهد.

در حال، با این اقدامات رژیم آیت‌الله در آشتی با گروهی آمریکا و فرانسه گشوده است و می‌کوشد به کشورهای معتدل عربی هم بگوید خرما از کرمی دم‌ناشد. ما نه ما درکننده انقلابیم، نه اهل دعوا هستیم، نه با آمریکا اختلاف داریم، نه از فرانسه دلخوریم، نه شامی دهیم، نه شاخ‌خوشانه می‌کشیم. ما همان سرسپرده‌های قدیمیم که رشته‌های محبت را یک چندی، بر اثر غفلت و جهالت، باره کرده بودیم و خوشوقت می‌شویم اگر گره بخورد و بهم نزدیک تر شویم!

حال باید دید که در آن طرف هم کسی این توبه‌گرگ را با ورمی کند؟!

دو ساعتی رادیویی هفتگی تنظیم شده که از دو هفته قبل به اتمام مسؤل شهری نهضت اجرا می‌شود. این برنامه روزهای جمعه و یکشنبه هر هفته از ساعت ۵/۳۰ تا ۶/۳۰ بعد از ظهر پخش می‌شود.

نمایشگاه از فواید جنگ و ویتنام در ایران، با استفاده از فیلم در تالار دانشکده طب استکلهم، از سوی نهضت برگزار شد.

با معاون سردبیر و دبیر اول امور اجتماعی روزنامه و آگنس نیو هتستر ملاقات و دربار می‌فروش سلحه سوئدی به جمهوری اسلامی صحبت شد و قرار شد کمیته‌ای مخصوص از خبرنگاران روزنامه، برای تحقیق دربار می‌فروش سلحه سوئدی تشکیل شود.

همچنین از سوی نهضت شامی سوئد با دبیر کمیته‌ای خارجی کابینه سوئد دربار می‌فروش سلحه سوئدی و وود ایرانیان به سوئد به وجود آمده، ملاقات و مذاکره شد.

## گزارش کمیته‌ی تورینو

کمیته‌ی شهری نهضت مقاومت ملی ایران در تورینو، واقع در ایتالیا نمايشگاه عکسی از جنگ جمهوری اسلامی با عراق به مدت ۲۰ روز در شهر لوگو برپا کرد که مورد استقبال احزاب شهری و انجمن‌های محلی قرار گرفت. به همین مناسبت از این کمیته دعوت به عمل آمد که در آبانماه در جشن حزب سوسیالیست شرکت کند و تصاویر جنگ را به نمایش بگذارد.

به علاوه انجمن دبیرستان‌های استان تورینو نیز به مدت یک هفته از این مجموعه در نمايشگاه فرهنگ شرق استفاده خواهد کرد.



نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد